

# هفته نامه سپیدار



جمعه ۱۵ اسفند ۱۳۸۴ شاهنشاهی

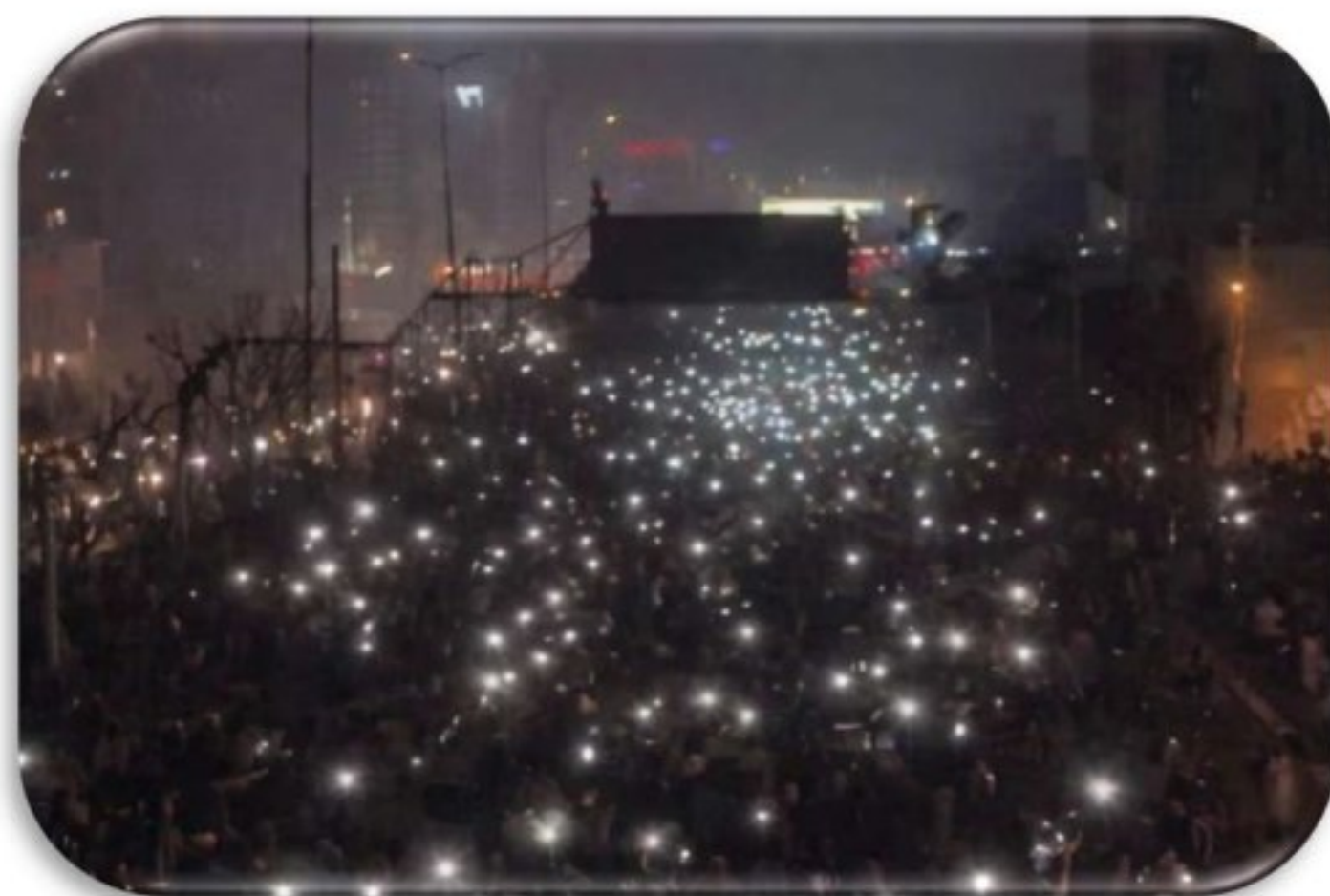
## بیانیه رسمی سپیدار - حزب زنان ایران درباره سخنان دونالد

### ترامپ درباره آینده سیاسی ایران

#### به قلم: شورای مرکزی سپیدار

سپیدار - حزب زنان ایران، در پی اظهارات اخیر رئیس جمهور ایالات متحده درباره نقش احتمالی شاهزاده رضا پهلوی در آینده سیاسی ایران، لازم می داند نکاتی را به صراحت اعلام کند.

جهان دید که در پاسخ به فراخوان شهريار ایران، شاهزاده رضا پهلوی، میلیون ها ایرانی با آگاهی از خطر جانی به خیابان ها آمدند و بیش از سی هزار تن از هم میهنان شجاع ما، توسط رژیم جمهوری اسلامی به خاک و خون کشیده شدند.



جهان دید که دانشجویان در دانشگاه های سراسر کشور، نام شاهزاده رضا پهلوی را فریاد زدند و خواستار همبستگی ملی حول محور رهبری ای شدند که سال ها بر گذار مسئولانه، سکولار و مبتنی بر رأی مردم تأکید کرده است.

جهان دید که در لس آنجلس، تورنتو و مونیخ، صدها هزار ایرانی آزاده، به دعوت و فراخوان شهريار ایران گرد هم آمدند و حمایت خود را از مسیر همبستگی ملی اعلام کردند.

این ها واقعیت های میدانی اند؛ نه تحلیل های اتاق های فکر، و نه گمانه زنی های دیپلماتیک.

آینده ایران نه در واشنگتن، نه در بروکسل و نه در هیچ پایتخت دیگری تعیین نخواهد شد. آینده ایران را ملت ایران تعیین خواهد کرد.

ما از دولت ایالات متحده و شخص رئیس جمهور آمریکا انتظار داریم، همان گونه که خود تأکید کرده اند، پس از پایان حاکمیت جمهوری اسلامی، تصمیم گیری درباره ساختار سیاسی آینده را به مردم ایران بسپارند. ملت ایران امروز بالغ، آگاه و مصمم است.

رهبری ملی شهريار ایران، شاهزاده رضا پهلوی، نه یک تحمیل خارجی، بلکه برخاسته از خواست بخش بزرگی از جامعه ایرانی در داخل و خارج کشور است.



گذار سیاسی در ایران باید ملی باشد،

مبتهی بر رأی آزاد مردم باشد،

و به دور از مداخله در تعیین فرد یا ساختار از بیرون.

سپیدار - حزب زنان ایران، در کنار ملت ایران و در چارچوب همبستگی ملی، بر حق تعیین سرنوشت مردم ایران تأکید می کند. ایران متعلق به ملت ایران است.

و فردای آزادی، با رأی ملت ساخته خواهد شد.

پاینده ایران

جاوید شاه

سپیدار - حزب زنان ایران



# هفته نامه سپیدار



جمعه ۱۵ اسفند ۱۳۸۴ شاهنشاهی



## بهای مماشات با یک رژیم خطرناک

به قلم: محمد حسین لباف باشی

سالها بخشی از جامعه جهانی تلاش کرد از فروپاشی یا تضعیف حکومت حاکم بر ایران جلوگیری کند. دولت‌هایی در فرانسه، انگلستان، قطر، عمان و ترکیه با میانجیگری، مذاکره و فشار برای جلوگیری از اقدام قاطع، عملاً زمان و فضای سیاسی در اختیار جمهوری اسلامی قرار دادند. حتی برخی دولت‌های منطقه مانند عربستان و امارات نیز در مقاطع مختلف تلاش کردند تنش‌ها را کاهش دهند و مانع از رویارویی مستقیم شوند. منطق این سیاست ساده بود: جلوگیری از جنگ و حفظ ثبات منطقه. اما آنچه در عمل رخ داد، نشان داد که این سیاست بیش از آنکه به صلح کمک کند، به بقای یک حکومت بحران‌ساز یاری رساند.

اما تجربه بارها نشان داده است که سیاست «خرید زمان» برای چنین رژیمی، در نهایت به معنای خرید زمان برای گسترش بحران است. شاهزاده رضا پهلوی بارها درباره همین خطر هشدار داده است. او در سخنرانی‌های مختلف تأکید کرده است:

**«این رژیم اصلاح‌پذیر نیست و بقای آن تنها از طریق سرکوب در داخل و صدور بحران به خارج از مرزها ممکن است.»**

این سخن تنها یک موضع سیاسی نیست؛ بلکه توصیفی دقیق از رفتار حکومتی است که برای بقا به بحران نیاز دارد. نادیده گرفتن این واقعیت، نه تنها مردم ایران را در برابر یک دیکتاتوری تنها گذاشت، بلکه امنیت منطقه و جهان را نیز در معرض خطر قرار داد.

یکی از خطرناک‌ترین ابعاد این وضعیت، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی است. اگر چنین رژیمی بدون تغییر بنیادین در ساختار قدرت خود به سلاح هسته‌ای دست یابد، پیامدهای آن تنها به خاورمیانه محدود نخواهد شد. دستیابی یک حکومت ایدئولوژیک و بی‌ثبات به بمب اتمی می‌تواند تعادل امنیتی جهان را به طور کامل برهم بزند. در چنین شرایطی رقابت هسته‌ای در منطقه آغاز خواهد شد و جهان ممکن است وارد مرحله‌ای از تنش شود که حتی خطر یک جنگ جهانی را در پی داشته باشد؛ بحرانی که می‌تواند آینده بشریت را با تهدیدی جدی روبه‌رو کند.

امروز زمان آن رسیده است که جامعه جهانی از اشتباهات گذشته درس بگیرد. امنیت واقعی منطقه نه با مماشات با یک حکومت سرکوبگر، بلکه با حمایت از خواست مردم ایران برای آزادی و حاکمیت قانون به دست خواهد آمد. مردمی که دهه‌ها برای آزادی مبارزه کرده‌اند، شایسته آن هستند که جهان صدای آن‌ها را بشنود. آینده‌ای باثبات‌تر برای خاورمیانه و حتی برای جهان، تنها زمانی ممکن خواهد شد که سیاست‌های کوتاه‌مدت و مصلحت‌جویانه جای خود را به درک واقعیت بدهد؛ مشکل اصلی منطقه، نه مردم ایران، بلکه رژیمی است که بر آن‌ها حکومت می‌کند.



واقعیت این است که بسیاری از دولت‌ها هشدارهای مکرر مردم ایران را نادیده گرفتند. مردم ایران سالها فریاد زدند که این حکومت نه اصلاح‌پذیر است و نه قابل اعتماد. با این حال بخش‌هایی از جامعه جهانی ترجیح دادند به جای شنیدن صدای ملت ایران، با ساختار قدرتی همکاری کنند که اساس بقای خود را بر تنش، سرکوب داخلی و بی‌ثبات‌سازی منطقه بنا کرده است. نتیجه این سیاست امروز روشن است: حکومتی که برخی کشورها تلاش کردند از آن محافظت کنند، در لحظه بحران همان کشورها و منافع آن‌ها را هدف قرار می‌دهد. در تمام این سالها هشدارهای امنیتی نیز بارها مطرح شد. دولت اسرائیل و بسیاری از تحلیلگران امنیتی بین‌المللی بارها اعلام کردند که جمهوری اسلامی یکی از اصلی‌ترین حامیان شبکه‌های شبه‌نظامی و گروه‌های مسلح در منطقه است. با این حال، بخشی از جهان ترجیح داد این هشدارها را نادیده بگیرد و به امید توافق‌های موقت یا مذاکرات طولانی، خطر واقعی را به تعویق بیندازد.



## سایه جنگ بر ایران

### نقطه ای سرنوشت ساز برای آینده کشور

#### به قلم: لیلا خرازی

در هفته گذشته، ایران و منطقه وارد مرحله ای تازه و نگران کننده از تنش و درگیری شده اند. گزارش ها از حملات نظامی و افزایش رویارویی ها نشان می دهد که سایه جنگ بیش از هر زمان دیگری بر سر ایران سنگینی می کند. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که تحولات اخیر تنها یک درگیری مقطعی نیست، بلکه نشانه ورود منطقه به دوره ای از بی ثباتی عمیق تر است، دوره ای که می تواند پیامدهای گسترده ای برای امنیت، اقتصاد و آینده سیاسی ایران داشته باشد.

در چنین شرایطی، نخستین قربانی هر جنگی مردم هستند. سال ها فشار اقتصادی، تحریم ها و بحران های داخلی، جامعه ایران را در موقعیتی شکننده قرار داده است. گسترش درگیری ها می تواند این فشارها را چند برابر کند. از افزایش ناامنی اقتصادی تا نگرانی های جدی درباره آینده نسل جوان. زنان و جوانان که ستون های اصلی جامعه و امید آینده کشور به شمار می روند، بیش از همه از چنین شرایطی آسیب می بینند، چرا که جنگ و بی ثباتی، فرصت های اجتماعی و اقتصادی آنان را محدودتر می کند.



اما جنگ تنها یک بحران نظامی نیست، جنگ اغلب نتیجه سال ها تصمیم گیری های سیاسی و ساختارهای ناکارآمد حکمرانی است. هنگامی که سیاست خارجی به عرصه تقابل دائمی تبدیل می شود و صدای مردم در تصمیم های کلان شنیده نمی شود، کشور در معرض خطراتی قرار می گیرد که هزینه آن را نسل های آینده نیز خواهند پرداخت. از همین رو، بسیاری از فعالان سیاسی و مدنی معتقدند که ایران برای خروج از چرخه بحران و تنش نیازمند تغییرات بنیادین در ساختار حکمرانی است. در میان این بحث ها، برخی نیروهای سیاسی بازگشت به پادشاهی مشروطه را به عنوان مدلی برای ایجاد ثبات، وحدت ملی و بازگشت به سیاستی مبتنی بر منافع ملی مطرح می کنند. در این چارچوب، شاهزاده رضا پهلوی با طرح ایده «گذار دموکراتیک» و انتشار دفترچه راهکارهای دوران گذار، تلاش کرده است نقشه راهی برای عبور مسالمت آمیز از وضعیت کنونی ارائه دهد؛ مسیری که بر حاکمیت قانون، اراده ملت و بازسازی نهادهای ملی تأکید دارد. برای بسیاری از ایرانیان، آینده ای با ثبات و آزاد تنها در سایه چنین گذار ملی و با اتکا به اراده مردم قابل تصور است.



## هفته نامه سپیدار



جمعه ۱۵ اسفند ۱۳۹۴ شاهنشاهی

اما در پس این نوع بیان، ملاحظه مهم دیگری نیز وجود دارد. سیاست فشار بر جمهوری اسلامی تنها زمانی می‌تواند به نتایج واقعی برسد که در کنار فشار خارجی، شکاف و ریزش در درون ساختار قدرت نیز شکل بگیرد. اگر از ابتدا اعلام شود که آینده ایران تنها به دست یک جریان خاص در خارج از ساختار کنونی رقم خواهد خورد، این پیام به بدنه حکومت منتقل می‌شود که در صورت تغییر شرایط هیچ جایگاهی برای نیروهای جدا شده از سیستم وجود نخواهد داشت. چنین پیامی می‌تواند انسجام درونی حکومت را تقویت کند. در مقابل، وقتی از امکان ظهور نیروهای میانه‌رو یا تغییر از درون نیز سخن گفته می‌شود، این احتمال برای برخی از بازیگران داخل ساختار قدرت ایجاد می‌شود که در یک فرآیند گذار بتوانند نقش داشته باشند؛ موضوعی که خود می‌تواند به تشدید شکاف‌های درونی حکومت منجر شود.

در عین حال، این واقعیت را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که در میان چهره‌های اپوزیسیون ایرانی، رضا پهلوی از جایگاهی متفاوت برخوردار است. او طی سال‌های گذشته تلاش کرده است گفتمانی مبتنی بر همبستگی ملی، گذار مسالمت‌آمیز و برگزاری انتخابات آزاد برای تعیین شکل نظام آینده ارائه دهد. همین رویکرد باعث شده است که نام او در بسیاری از تحلیل‌های بین‌المللی به عنوان یکی از چهره‌های تاثیرگذار در آینده سیاسی ایران مطرح شود.

از این رو، سخنان ترامپ را نباید به معنای نفی یا فاصله گرفتن از رضا پهلوی تلقی کرد، بلکه می‌توان آن را بخشی از یک بازی پیچیده سیاسی دانست که در آن سیاستمداران خارجی می‌کوشند همزمان چند هدف را دنبال کنند: افزایش فشار بر جمهوری اسلامی، تشویق شکاف درون حاکمیت، و در عین حال پرهیز از موضع‌گیری‌هایی که بتواند بهانه‌ای برای حملات سیاسی در داخل آمریکا ایجاد کند.

در نهایت، آینده ایران نه در واشینگتن بلکه در درون جامعه ایران تعیین خواهد شد. با این حال، نحوه موضع‌گیری قدرت‌های جهانی می‌تواند بر فضای سیاسی و معادلات قدرت تأثیر بگذارد. در چنین شرایطی، فهم دقیق زبان دیپلماسی و ملاحظات پشت پرده برای تحلیل تحولات آینده ایران اهمیت ویژه‌ای دارد.

## پیام پنهان سخنان ترامپ درباره شاهزاده رضا پهلوی

به قلم: علی سلطانی



اظهارات اخیر دونالد ترامپ درباره شاهزاده رضا پهلوی بار دیگر توجه بسیاری از ناظران سیاسی ایرانی را جلب کرده است. ترامپ در سخنان خود از رضا پهلوی به عنوان «فردی خوب» و «گزینه‌ای قابل توجه» یاد می‌کند، اما در عین حال تأکید می‌کند که ممکن است یک گزینه میانه‌رو از داخل ایران نیز بتواند در آینده نقش آفرین باشد. برخی این موضع را نوعی فاصله گرفتن از اپوزیسیون تلقی کرده‌اند، اما در واقعیت می‌توان آن را در چارچوب ملاحظات تاکتیکی سیاست خارجی آمریکا تحلیل کرد.

در فضای سیاسی ایالات متحده، اعلام حمایت صریح از یک چهره مشخص به عنوان رهبر آینده یک کشور دیگر، همواره با حساسیت‌های جدی روبه‌رو بوده است. به‌ویژه در شرایطی که رسانه‌ها و جریان‌های سیاسی رقیب آماده‌اند هر موضعی را به عنوان «دخالت در سرنوشت ملت‌ها» معرفی کنند. از این رو برای سیاستمداری مانند ترامپ طبیعی است که از یک سو تصویری مثبت از یک چهره اپوزیسیون ارائه دهد و از سوی دیگر از اعلام حمایت رسمی و قطعی خودداری کند تا بهانه‌ای برای حملات سیاسی در داخل آمریکا ایجاد نشود.

# هفته نامه سپیدار



جمعه ۱۵ اسفند ۱۳۸۴ شاهنشاهی

## تکثیر شجاعت در انقلاب شیر و خورشید

### به قلم: آزاده شرفی

انقلاب شیر و خورشید در سال ۲۰۲۶ به یک رخداد فراگیر در ایران و میان ایرانیان سراسر جهان تبدیل شده است. این جنبش، فراتر از یک اعتراض سیاسی ساده، نشان‌دهنده یک دگرگونی عمیق روانی-اجتماعی است؛ جریانی که در آن شجاعت فردی به نیروی جمعی و انرژی تغییر تبدیل شده است.

نماد تاریخی «شیر و خورشید»، که در دوره پهلوی بر پرچم رسمی ایران نقش داشت، امروز به نقطه‌ای برای اتحاد ملی و همبستگی تبدیل شده است. روانشناسی سیاسی نشان می‌دهد که نمادها، فراتر از تصویر و علامت، قدرت ایجاد معنا، امید و اعتماد در جمع را دارند و می‌توانند ترس و تردید را کاهش دهند.



این انقلاب نشان می‌دهد که شجاعت تنها یک ویژگی فردی نیست؛ بلکه وقتی میلیون‌ها نفر به‌طور همزمان و در گستره‌ای وسیع در حرکت‌اند، به تجربه‌ای جمعی تبدیل می‌شود. افراد در کنار یکدیگر، ترس فردی را پشت سر می‌گذارند و اعتماد جمعی و امید به تغییر شکل می‌گیرد. حضور گسترده مردم در شهرهای مختلف ایران و میان ایرانیان خارج از کشور، اثباتی است بر این فراگیری: انقلاب شیر و خورشید، جنبشی ملی و فراملی است.

از منظر روانشناسی-سیاسی، هر تحول بزرگ سیاسی پیش از آنکه در ساختارهای قدرت رخ دهد، در ذهن و روان مردم آغاز می‌شود. این جنبش نمونه‌ای روشن از تکثیر شجاعت جمعی است؛ فرآیندی که می‌تواند تعادل قدرت روانی و اجتماعی را جابه‌جا کند و مسیر تاریخ ایران را دگرگون سازد.



نقش شاهزاده رضا پهلوی به‌عنوان رهبر دوران گذار، یکی از عوامل کلیدی در انسجام این جنبش است. او از سوی مردم در تجمعات و حرکت‌های سراسری به‌عنوان رهبر دوران گذار شناخته شده و تصویرش در تمامی تجمعات داخل و خارج کشور حضور دارد. وجود یک نقطه تمرکز مشترک، احساس جهت‌دهی و اطمینان جمعی را تقویت می‌کند و افراد را متقاعد می‌کند که صدایشان بخشی از یک حرکت گسترده و تاریخی است.